پژوهش‌نامه اسلامی حقوق/ سال هفتم / شماره دهم / ۹-۲۳

مطالعه تطبیقی آثار بی‌اعتباری قراردادها در حقوق ایران و پاکستان

سهیلا واعظی،[۱] تقوی کنانی[۲]

چکیده

با توجه به نقش اساسی قراردادها در توسعه روابط تجاری و اقتصادی بین‌المللی، پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی آثار بی‌اعتباری قراردادها در نظام‌های حقوقی ایران و پاکستان و تبیین شباهت ها، تفاوت ها و پیامدهای آن انجام شد. این پژوهش به‌روش توصیفی ـ تحلیلی انجام شد و داده‌های آن از طریق بررسی منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب ها، مقالات علمی، قوانین موضوعه، آرای قضایی و اسناد حقوقی مرتبط گردآوری شد. منابع مورد استفاده شامل آثار منتشرشده تا ۲۰۲۴ میلادی و همچنین قوانین معتبر و جاری دو کشور ایران و پاکستان بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مبانی بی‌اعتباری قرارداد در حقوق ایران اغلب بر فقدان ارکان اساسی عقد از جمله قصد و رضا، اهلیت طرفین، موضوع معین و مشروعیت جهت استوار است؛ درحالی‌که در حقوق پاکستان مواردی نظیر تقلب، تدلیس، اکراه، اشتباه و نقض شرایط اساسی قرارداد، نقش برجسته‌تری در بی‌اعتباری قرارداد دارند. همچنین تفاوت‌هایی در شیوه اثبات، آثار حقوقی و ضمانت اجراهای ناشی از بی‌اعتباری قرارداد میان نظام حقوقی این دو کشور مشاهده می‌شود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شناخت دقیق این تفاوت ها می تواند در کاهش خطای حقوقی قراردادهای بین‌المللی، حمایت از حقوق طرفین و تسهیل همکاری های تجاری میان دو کشور مؤثر باشد. افزون بر این، بهره گیری از داوری بین المللی و همگرایی بیشتر قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی می‌تواند به افزایش امنیت و اطمینان در روابط قراردادی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: بی‌اعتباری قراردادی، بطلان قرارداد، قراردادهای ایران، قراردادهای پاکستان، تجارت بین الملل.

---

۱. دانش‌پژوه کارشناسی حقوق، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

قراردادها به عنوان ارکان اساسی روابط حقوقی بین افراد، نقش کلیدی در نظم اقتصادی و اجتماعی هر کشور ایفا می‌کنند و در هر نظام حقوقی، اعتبار یا بی‌اعتباری یک قرارداد می‌تواند آثار گسترده‌ای بر روابط حقوقی افراد داشته باشد. در این میان، موضوع بی‌اعتباری قراردادها از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ زیرا با احراز بی‌اعتباری، اثرات قانونی قرارداد به‌طور کلی از بین می‌رود و طرفین به وضعیت پیشین خود بازمی‌گردند. بنابراین، تحلیل و بررسی ابعاد مختلف بی‌اعتباری قراردادها و آثار آن در نظام‌های حقوقی مختلف می‌تواند به فهم دقیق‌تری از نحوه تنظیم و اصلاح قراردادها و همچنین حفاظت از حقوق طرفین کمک کند. در حقوق ایران، بی‌اعتباری قراردادها می‌تواند به دلایل مختلفی همچون عدم رعایت شرایط صحت قرارداد، نقض قواعد عمومی قراردادها یا به‌واسطه تخلفات حقوقی در جریان انعقاد قرارداد رخ دهد. این شرایط باعث می‌شود که قرارداد فاقد اثر قانونی شود یا در صورت بروز مشکلاتی در اجرای آن، قابل ابطال باشد. همچنین در سیستم حقوقی پاکستان نیز موضوع بی‌اعتباری قراردادها تحت تأثیر عواملی مشابه قرار دارد، گرچه جزئیات و سازوکارهای آن در حقوق دو کشور ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشد.

مطالعه تطبیقی آثار بی‌اعتباری قراردادها در حقوق ایران و پاکستان به‌ویژه در شرایطی که هر دو کشور در تعاملات تجاری و اقتصادی بین‌المللی قرار دارند، می‌تواند به روشن شدن برخی نکات قانونی کمک کند که برای حل و فصل اختلافات حقوقی میان طرفین قرارداد، به‌ویژه در روابط تجاری بین دو کشور ضروری است. افزون بر این، تحلیل این موضوع در زمینه‌های مختلف مانند شرط صحت قرارداد، توافقات ناصحیح و شروط خلاف قانون و اخلاق عمومی، می‌تواند نحوه برخورد هر یک از دو کشور با مسائل مشابه را نشان دهد و در نهایت به ایجاد راهکارهایی برای اصلاح قوانین و بهبود فرآیندهای قضائی کمک کند.

در پژوهش حاضر، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های سیستم حقوقی ایران و پاکستان به‌ویژه در زمینه‌هایی مثل علل بی‌اعتباری قراردادها، شرایط انفساخ، ابطال یا عدم اجرای قراردادها، نحوه اثبات و آثار حقوقی ناشی از آن می‌تواند مبنای محکمی برای مقایسه دو سیستم حقوقی فراهم

کند. این مقایسه نه تنها به روشن شدن راهکارهای قضائی و اجرایی در هر کشور کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به‌ویژه برای مشاوران حقوقی، وکلای دادگستری، و نهادهای قضائی مفید باشد تا بهتر از سازوکارهای قانونی هر کشور در این زمینه بهره‌برداری کنند.

۲. مفهوم‌شناسی

الف) مفهوم‌شناسی قرارداد: واژه «قرارداد» که در کتب فقهی و حقوقی باعنوان «عقد» هم از آن نام برده شده است، به‌معنای توافقی است که دو یا چند نفر به‌منظور ایجاد یک اثر حقوقی به آن رضایت می‌دهند. ماده ۱۸۳ قانون مدنی ایران هم به صراحت این تعریف را بیان کرده است. (صفایی، ۱۴۰۱، ص۱۷)

ب) مفهوم‌شناسی بی‌اعتباری قراردادی: بی‌اعتباری قراردادی وضعیت و حالت قراردادی است که به علت عدم رعایت شرایطی که از سوی قانونگذار برای صحت و اعتبار یک قرارداد مقرر گردیده، با این حالت مواجه شده است. به نظر عده‌ای، بی‌اعتباری قرارداد، وضعیتی است که در عالم خارج اثر ندارد (شهیدی، ۱۳۹۵، ص۲۳) یا حالتی که در آن عقد وجود حقوقی پیدا نمی‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۲۹۷/۲) یا وصف عمل خلاف قانون است که هیچ آثاری بر آن مترتب نیست (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱، ۴۹۴/۱). حال آنکه قرارداد غیر موجود شامل قراردادهایی است که فاقد یکی از عناصر اساسی و تکوینی و اهدافی که قانون برای آنها مقرر نموده باشد، ولی قراردادهای بی‌اعتبار شامل قراردادهایی است که از لحاظ قانون و اصول حقوقی اعتبار ندارد، ولی یک وجود ظاهری داشته و گاهی هم عملاً به مورد اجرا گذاشته شود یا شروع به اجرای آن می شود (صالحی، ۱۳۹۱، ص۷).

۳. انواع بی‌اعتباری قراردادها در حقوق ایران و پاکستان

۳– ۱. انواع بی‌اعتباری قراردادها در حقوق ایران

در حقوق ایران، بی‌اعتباری قراردادها به دو دسته کلی «بی‌اعتباری مطلق» و «بی‌اعتباری نسبی» تقسیم می‌شود؛ که هرکدام دارای آثار و ویژگی‌های خاص خود هستند.

۳– ۱– ۱. بی‌اعتباری مطلق (بطلان)

بی‌اعتباری مطلق یا بطلان به‌معنای این است که قرارداد از ابتدا هیچ‌گونه اثر قانونی ندارد و گویی هیچ‌گاه وجود نداشته است. در این حالت، قرارداد به‌طور کامل از لحاظ حقوقی بی‌اثر است و هیچ‌گونه الزام برای طرفین قرارداد و حتی اشخاص ثالث ایجاد نمی‌کند. در واقع، بطلان به‌معنای آن است که قرارداد در هیچ شرایطی به‌طور صحیح و قانونی نمی‌تواند اجرا شود و هیچ‌گونه مسئولیت یا تعهدی بر عهده طرفین قرار نمی‌دهد. بطلان ممکن است به‌دلایل مختلفی مانند فقدان اهلیت یکی از طرفین، موضوع غیرقانونی یا غیرممکن، عدم رعایت شرایط شکلی قرارداد و... رخ دهد. (شریف‌پور، ۲۰۱۷، ص۲۸) به‌طور نمونه، در قانون مدنی ایران، ماده ۱۹۰ و ۱۹۳ به شروط صحت عقد، اشاره دارند و در صورتی که یکی از این شروط رعایت نشود، قرارداد باطل خواهد بود. در ماده ۱۹۰ آمده است: «عقدی که شرایط صحت آن از جمله قصد و رضای طرفین، اهلیت، موضوع مشروع و معین و شرایط قانونی دیگر رعایت نشود، باطل است».

۳– ۱– ۲. بی‌اعتباری نسبی (فسخ)

بی‌اعتباری نسبی زمانی اتفاق می‌افتد که قرارداد در ابتدا معتبر است، اما به دلیل وجود نقص در شرایط قانونی و به‌ویژه فقدان رضایت یکی از طرفین، قرارداد ممکن است از نظر یکی از طرفین باطل شود. در این حالت، قرارداد فقط برای طرفین دارای نقص و عدم رضایت، قابل طرح است و برای اشخاص ثالث اثری ندارد. به عبارت دیگر، بی‌اعتباری نسبی یا فسخ، به‌معنای رفع اعتبار قرارداد به اراده یکی از طرفین است، ولی این امر تنها برای طرفین قرارداد اثر دارد و برای سایر اشخاص که به این قرارداد ارتباطی ندارند، هیچ‌گونه اثری ایجاد نمی‌کند. (شریف‌پور، ۲۰۱۷، ص۳۲) در این مورد، مواد مختلف قانون مدنی ایران به شرایط فسخ اشاره دارند. برای مثال، ماده ۴۰۳ قانون مدنی ایران تصریح می‌کند که فسخ قرارداد فقط با اعلام طرف متضرر معتبر است و از آن زمان اثر می‌کند. همچنین، ماده ۴۱۶ قانون مدنی ایران به شرایط فسخ قراردادهای معین اشاره دارد که در صورت توافق طرفین می‌توان قرارداد را فسخ نمود.

۳– ۲. انواع بی‌اعتباری قراردادها در حقوق پاکستان

در حقوق پاکستان نیز مشابه حقوق ایران، بی‌اعتباری قراردادها به دو نوع مطلق و نسبی تقسیم می‌شود، با این تفاوت که در حقوق پاکستان توجه ویژه‌ای به اصول شریعت اسلامی و نیز مسئله غبن (ظلم در معامله) می‌شود. بی‌اعتباری مطلق و نسبی در حقوق پاکستان نیز ممکن است به دلایل مشابه در حقوق ایران، از جمله فقدان شرایط قانونی، اجبار، فریب و غبن، رخ دهد.

۳– ۲– ۱. بی‌اعتباری مطلق

در حقوق پاکستان، قراردادهایی که با رعایت اصول شریعت اسلامی و نیز قوانین کشور مخالف باشند، به‌طور مطلق باطل تلقی می‌شوند. به‌ویژه در صورتی که قرارداد با اجبار، فریب یا تهدید بسته شده باشد یا موضوع قرارداد مغایر با قوانین شرعی باشد، چنین قراردادی باطل است و هیچ‌گونه اثری نخواهد داشت. (رانا، ۲۰۲۰، ص۲۸۵) ماده ۲۵ قانون قراردادهای پاکستان[1] به‌طور کلی تأکید می‌کند که یک قرارداد باید برای ایجاد تعهدات قانونی قابل اجرا باشد و هرگونه قرارداد مغایر با قانون یا شریعت معتبر نیست. به‌ویژه در شریعت اسلام، قراردادهایی که از طریق فریب یا تهدید بسته شده باشند یا در آنها از غبن یا ربا (ربا در معاملات) استفاده شده باشد، از ابتدا باطل شمرده می‌شوند.

۳– ۲– ۲. بی‌اعتباری نسبی

بی‌اعتباری نسبی یا فسخ در حقوق پاکستان نیز مشابه با حقوق ایران است. در این نوع بی‌اعتباری، قرارداد به‌طور قانونی معتبر است، اما یکی از طرفین می‌تواند به دلیل وجود نقص‌هایی در قرارداد، مانند فقدان رضایت یا فریب، آن را فسخ کند. این فسخ فقط برای طرفین قرارداد اثر دارد و اشخاص ثالث تحت تأثیر آن قرار نمی‌گیرند. (رانا، ۲۰۲۰، ص۲۹۸) در این زمینه، مطابق با بخش‌های مختلف قانون قراردادهای پاکستان، هر طرف، حق دارد که قرارداد را در صورت وجود شرایط خاص فسخ کند. برای مثال، اگر قرارداد به دلیل فریب، تهدید یا غبن

1. Contract Act, 1872

بسته شده باشد، طرفِ متضرر می‌تواند قرارداد را فسخ کند. همچنین، در مواردی که یک طرفِ قرارداد دچار اضطرار یا شرایط اضطراری شود که موجب عدم رضایت او از قرارداد باشد نیز ممکن است قرارداد فسخ شود.

۴. چارچوب‌های قانونی و اصول عمومی بطلان قرارداد در فقه و حقوق ایران و پاکستان

۴– ۱. چارچوب‌های قانونی و اصول عمومی بطلان قرارداد در حقوق ایران

در حقوق ایران، قانون مدنی و قانون تجارت از مهم‌ترین منابع قانونی برای تنظیم و نظارت بر قراردادهاست. قانون مدنی در کنار اصول فقه اسلامی، نقش محوری در تعیین اعتبار یا بی‌اعتباری قراردادها ایفا می‌کند. به‌طور خاص، در مواردی همچون اجبار، فساد در موضوع قرارداد، یا فقدان اهلیت یکی از طرفین، قرارداد ممکن است بی‌اعتبار شود. در حقوق ایران، به‌ویژه در حوزه قراردادهای تجاری، اصول فقهی اسلامی بر مشروعیت و اعتبار قراردادها تأثیر زیادی دارند. به همین دلیل، اگر قرارداد با اصول فقهی مغایرت داشته باشد، یا شرایط آن با موازین شرعی مخالف باشد، اعتبار آن از بین خواهد رفت. قانون مدنی ایران، به‌ویژه در فصل مربوط به قراردادها، مجموعه‌ای از اصول و مقررات را برای صحت و اعتبار قراردادها ارائه می‌دهد. براساس ماده ۱۸۹ قانون مدنی، برای اعتبار قراردادها باید ارکان خاصی همچون رضایت طرفین، اهلیت طرفین، موضوع معین و سبب مشروع وجود داشته باشد. این ماده در اصل بر رعایت اصول اساسی قرارداد تأکید دارد. (صفایی، ۱۴۰۱، ص۲۵) در صورتی که یکی از ارکان مذکور رعایت نشود، قرارداد اعتبار نخواهد داشت. برای مثال، اگر یکی از طرفین فاقد اهلیت و یا در اثر اجبار یا فریب قرارداد را امضا کرده باشد، قرارداد فاقد اعتبار خواهد بود. ماده ۲۰۳ قانون مدنی، به صراحت بیان می‌کند که قراردادهایی که در شرایط اکراه (اجبار) انجام شوند، غیر نافذ هستند؛ این ماده بر لزوم آزادی اراده در امضای قرارداد تأکید دارد.

در فقه اسلامی، مشروعیت قرارداد و عدم اجبار یا فریب، اعتبار قراردادها سنجیده می‌شود.

مهم‌ترین اصول فقهی که بر اعتبار قرارداد تأثیر دارند، عبارتند از:

اکراه (اجبار): طبق فقه امامیه، اگر یک طرف قرارداد تحت فشار یا تهدید قرار گیرد و بدون رضایت کامل، قرارداد را امضا کند، آن قرارداد غیرنافذ است. (طباطبائی یزدی، ۱۳۳۰، ص۳۲۲)

غبن فاحش: اگر یکی از طرفین قرارداد به دلیل جهل و ناآگاهی از حقیقت قرارداد، متحمل ضرر زیادی شود، قرارداد قابل فسخ خواهد بود.

فساد در موضوع قرارداد: اگر موضوع قرارداد بر خلاف اصول شرعی و قانونی باشد، قرارداد باطل است. برای مثال، قراردادهایی که موضوع آنها فعالیت‌های غیرقانونی یا غیراخلاقی باشد، باطل است.

غرر: معامله‌ای که موضوع آن مبهم باشد، معامله‌ای غرری است که معامله را باطل و کان لم یکن می‌کند. (انصاری، ۱۳۷۵، ص۱۸۵)

۴– ۲. چارچوب‌های قانونی و اصول عمومی بطلان قرارداد در حقوق پاکستان

در قوانین پاکستان، قانون قراردادهای ۱۸۷۲، چارچوب اصلی تنظیم قراردادها می‌باشد. این قانون تحت تأثیر اصول فقه اسلامی است و به‌طور خاص برای تأسیس صحت یک قرارداد، رعایت شرایطی مثل رضایت آزادانه و عدم اجبار یا فریب، الزامی است. افزون بر این، اصول شرعی در برخی قراردادها، مانند قراردادهای تجاری، نقش مهمی ایفا می‌کنند. (احمد، ۲۰۲۰، ص۱۱۴) قانون قراردادهای ۱۸۷۲ پاکستان، که اساس‌نامه اصلی تنظیم قراردادهاست، مجموعه‌ای از مفاد قانونی را برای صحت و بی‌اعتباری قراردادها به‌طور دقیق تعیین کرده است، بیان می‌کند که برای معتبر بودن قراردادها، باید «رضایت آزادانه» طرفین وجود داشته باشد؛ این ماده بر اهمیت آزادی اراده در قرارداد تأکید دارد. در ماده ۲۵ آن، به «اهلیت طرفین» برای انعقاد قرارداد اشاره شده است؛ طبق این ماده، قراردادهایی که توسط افراد فاقد اهلیت مانند نابالغ‌ها یا افرادی که دارای اختلالات روانی هستند، منعقد شوند، بی‌اعتبار خواهند بود. در ماده بعدی آن نیز به مسئله «رضایت» اشاره شده است و مشخص می‌شود که اگر یکی از طرفین قرارداد تحت تأثیر اجبار یا فریب قرار گیرد، قرارداد فاقد اعتبار خواهد بود.

اصول اسلامی در پاکستان نیز در برخی موارد خاص، به‌ویژه در موارد زیـر، نقـش کلیـدی در اعتبار قراردادها دارند:

ربا (سود): طبق اصول شرعی، هرگونه ربا یا سود اضافه کـه در قراردادهـای مـالی و تجـاری وارد شود، موجب بی‌اعتباری آن قرارداد خواهد شد.

اکراه و فریب: مانند حقوق ایران، در پاکستان نیز قراردادهایی که تحت تأثیر اکراه یـا فریـب بسته شوند، غیرنافذ تلقی می‌شوند.

مشروعیت موضوع: مطابق با اصول شرعی، قراردادهایی که موضوع آنهـا مغـایر بـا مـوازین اسلامی باشد، قابل اجرا نخواهند بود.

۵. رویکرد قضائی در حقوق ایران و پاکستان

۵– ۱. رویکرد قضائی در حقوق ایران

حقوق ایران در زمینه بی‌اعتباری قراردادها، به شدت به اصول فقهی و تفسیر مواد قانونی وابسـته است. دادگاه‌ها در ایران با دقت و تأمل ویژه‌ای به بررسی شرایط وقوع بی‌اعتباری مطلق و نسبی قراردادها پرداخته و در صورتی که قرارداد مغایر با اصول شرعی و قانونی باشد، آن را باطل اعلام می‌کنند. یکی از مهم‌ترین نکات در رویکرد قضائی ایران در این زمینه، توجه به اصل «ضـرورت تطابق با موازین شرعی» است. به عبارت دیگر، قراردادهایی که برخلاف موازین شرعی، اخلاقی یا نظم عمومی تنظیم شده باشند، بی‌اعتبـار تلقـی مـی‌شـوند. (صـفایی، ۱۴۰۱، ص۶۰) از جملـه مصادیق آن می‌توان به قراردادهای مبتنی بر ربا، قراردادهای فسادآور یا قراردادهایی کـه موجـب تضییع حقوق افراد شوند، اشاره کرد. در فرآیند بررسی بی‌اعتباری، دادگاه‌ها عـلاوه بـر توجـه بـه قوانین مدنی ایران، از اصول فقهی همچون قاعده «لزوم وفای به عهد» نیز بهره مـی‌گیرنـد. در این مورد، حمایت از حقوق اشخاص ثالث که در برخی مواقع بـه‌طـور مسـتقیم از قـرارداد متـأثر می‌شوند، بسیار حائز اهمیت است (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۴/ ۷).

۵– ۲. رویکرد قضائی در حقوق پاکستان

در حقوق پاکستان نیز، رویکرد قضائی در زمینه بی‌اعتباری قراردادها به‌طور عمده تحت تأثیر فقه اسلامی و قوانین مدنی قرار دارد. همان‌طورکه حقوق ایران بـه فقـه امامیـه توجـه ویـژه‌ای دارد، حقوق پاکستان نیز در بسیاری از موارد از فقه حنفی و سـایر مـذاهب اسـلامی تبعیـت مـی‌کنـد. ازاین‌رو، تفسیر و ارزیابی بی‌اعتباری قراردادها در پاکستان به‌ویـژه در مسـائلی مثـل قراردادهـای تجاری، حقوق مالکیت، یا حتی قراردادهای جانشینی، ممکن است با تفسیرهای متفـاوتی مواجـه شود. در حقوق پاکستان، قوانین مدنی کشور به‌ویـژه قـانون قراردادهـای ۱۸۷۲ و قـانون مـدنی ۱۹۰۸، مبنای بسیاری از تصمیمات قضائی در هستند. افزون بر این، دادگاه‌ها براساس آموزه‌هـای فقه اسلامی، قراردادهایی را که مخالف شرع یا اخلاق اسلامی باشند، باطل اعلام می‌کنند. بـرای مثال، قراردادهایی که شامل شرط‌های فریبکارانه، تقلب، یا ظلم بـه یکـی از طـرفین باشـند، در پاکستان از نظر قضائی بی‌اعتبار تلقی می‌شوند. در موارد خاص، دادگاه‌های پاکستان نیـز در کنـار قواعد فقهی، به اصول بین‌المللی و کنوانسیون‌های تجاری نظیر کنوانسیون بیع بین‌المللـی کـالا (CISG)، کنوانسیون حل اختلافات تجاری بین‌المللی (ICSID) و دیگـر توافقـات بـین‌المللـی کـه پاکستان در آنها عضو است، توجه دارد و به بررسی بی‌اعتباری قراردادها می‌پردازند.

۵– ۳. مقایسه رویکرد قضائی در ایران و پاکستان

در مقایسه رویکرد قضائی ایران و پاکستان در زمینه بی‌اعتباری قراردادها، چنـدین نکتـه اساسـی وجود دارد که می‌تواند به روشن‌تر شدن تفاوت‌ها و شباهت‌های موجـود کمـک کنـد. در هـر دو کشور، سیستم حقوقی از اصول فقهی اسلامی برای تنظیم و تفسیر قوانین استفاده مـی‌کنـد، امـا تفاوت‌های قابل توجهی در نحوه اجرای این اصول و تأثیر آنها بر پرونده‌هـای حقـوقی و قضـائی وجود دارد. (احمد، ۲۰۲۰، ص۱۱۰)

۵- ۳- ۱. شباهت‌های رویکرد قضائی ایران و پاکستان

پایه‌گذاری قوانین براساس فقه اسلامی: هم در ایران و هم در پاکستان، سیسـتم حقـوقی تحـت

تأثیر فقه اسلامی است. در هر دو کشور، قراردادهایی که با اصول شریعت اسلامی مغایرت داشته باشند، اعم از اینکه شامل ربا، فریب یا ظلم به طرفین قرارداد باشد، بی‌اعتبار شناخته می‌شوند. این موضوع نشان‌دهنده اشتراکات اساسی در نگرش‌های شرعی به بی‌اعتباری قراردادها در هر دو کشور است.

اهمیت حمایت از حقوق اشخاص ثالث: در هر دو کشور، حمایت از حقوق اشخاص ثالث، به‌ویژه در قراردادهایی که ممکن است بر آنها تأثیر منفی بگذارد، از اهمیت زیادی برخوردار است و اگر قراردادی موجب تضییع حقوق اشخاص ثالث شود یا به نقض حقوق عمومی منتهی گردد، دادگاه‌ها آن را بی‌اعتبار می‌دانند.

استفاده از مواد قانونی مشابه: مواد قانونی در ایران و پاکستان برای بررسی بی‌اعتباری قراردادها به اصول مشابهی استناد دارند، از جمله موارد مربوط به فساد عقلی یا جسمی، اجبار، تقلب، یا فریب. در هر دو کشور، اصول مدنی و قوانین مخصوص قراردادها، مانند قانون مدنی ایران و قانون قراردادهای پاکستان، به‌طور واضح به شرایط بی‌اعتباری یا فسخ قراردادها پرداخته‌اند.

۵- ۳- ۲. تفاوت‌های رویکرد قضائی ایران و پاکستان

تفسیر فقهی و مذهبی: برخلاف شباهت‌های فقهی بین ایران و پاکستان، نحوه تفسیر این اصول در دادگاه‌ها می‌تواند متفاوت باشد. در ایران، چون حقوق مدنی به‌طور خاص مبتنی بر فقه امامیه است، دادگاه‌ها بیشتر به اصول فقه شیعی و آثار آن در تحلیل مسائل قراردادها توجه می‌کنند. در مقابل، حقوق پاکستان بیشتر تحت تأثیر فقه حنفی قرار دارد. (علی، ۲۰۲۲، ص۸)

تأثیر قانون مدنی و سیستم قضائی: درحالی‌که در ایران، قانون مدنی، مبنای اصلی حقوق قراردادها شناخته می‌شود و مسائل مربوط به بی‌اعتباری قراردادها در این قانون به‌طور دقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، در پاکستان، علاوه بر قانون قراردادهای ۱۸۷۲، تأثیر قوانین مدنی به‌ویژه قانون مدنی ۱۹۰۸ به‌طور بارزی در سیستم قضائی این کشور مشهود است.

رویکرد به قراردادهای تجاری و بین‌المللی: در پاکستان، به‌ویژه در موارد تجاری بین‌المللی،

دادگاه‌ها بیشتر به اصول حقوقی بین‌المللی توجه دارند. پاکستان عضو کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG) و دیگر توافقات تجاری است که بر نحوه اعمال و تفسیر قراردادها تأثیر می‌گذارد، اما در ایران، با وجود پذیرش اصول بین‌المللی در حوزه‌های مختلف، تأکید بیشتر بر قوانین داخلی و فقهی است. به همین دلیل، قراردادهای بین‌المللی و تجاری در ایران ممکن است تحت تأثیر مشکلات و چالش‌های داخلی مانند تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی قرار گیرد که ممکن است در پاکستان کمتر مشاهده شود.

در نهایت، در هر دو کشور ایران و پاکستان، رویکرد قضائی در زمینه بی‌اعتباری قراردادها، از اصول فقهی اسلامی الهام گرفته است، اما تفاوت‌هایی در نحوه تفسیر این اصول و اثرات آنها بر حقوق داخلی و بین‌المللی وجود دارد. ایران با تأکید بیشتر بر فقه شیعی و حقوق داخلی، و پاکستان با استفاده از فقه حنفی و توجه به قراردادهای بین‌المللی و تجاری، رویکردهای متفاوتی در این زمینه دارند.

۶. پیامدها و آثار بی‌اعتباری قراردادها برای قراردادهای بین‌المللی

در حوزه قراردادهای بین‌المللی، بی‌اعتباری یک قرارداد می‌تواند تبعات پیچیده‌ای داشته باشد. طرف‌های خارجی که وارد قرارداد با طرف ایرانی یا پاکستانی می‌شوند، باید از خطرات احتمالی ناشی از بی‌اعتباری قرارداد آگاه باشند. این بی‌اعتباری ممکن است موجب بروز مشکلات قضائی و اجرائی برای آنها شود. برخی از این مشکلات عبارتند از:

الف) عدم توانایی در اجرای قرارداد: وقتی قراردادی به‌طور رسمی بی‌اعتبار اعلام می‌شود، هیچ‌کدام از طرفین نمی‌توانند از آن برای الزام طرف دیگر به انجام تعهدات استفاده کنند. این امر می‌تواند به بحران‌های حقوقی در روابط بین‌المللی منجر شود، به‌ویژه در قراردادهای تجاری و مالی که نیاز به اجرای دقیق دارند.

ب) نقض حقوق طرفین ثالث: در صورتی که قرارداد بی‌اعتبار شود، حقوق اشخاص ثالث، مانند تأمین‌کنندگان، مشتریان یا دیگر ذینفعان قرارداد، ممکن است به خطر بیفتد. به‌ویژه اگر طرف‌های خارجی به‌طور غیرمستقیم تحت تأثیر قرارداد قرار داشته باشند؛ لازم است که این

بی‌اعتباری در محاکم بین‌المللی و یا کشور مبدأ طـرف خـارجی، بررسـی شـود. (اسـلام، ۱۹۹۸، ص۳۳۷)

ج) مشکلات اجرایی و قضائی بین‌المللی: در بسیاری از موارد، طرف‌های خارجی ممکن است به دلیل بی‌اعتباری قرارداد در ایران یا پاکستان با مشکلات اجرایی مواجه شوند؛ زیرا ممکن است در سیستم قضائی آن کشور نتوانند به راحتی قرارداد را مـورد اسـتناد قـرار دهنـد. همچنـین اگـر قرارداد در دادگاه‌های بین‌المللی مورد ارزیابی قرار گیرد، بی‌اعتباری آن می‌تواند بر اعتبار قـرارداد در سایر کشورها نیز تأثیر بگذارد. (اسلام، ۱۹۹۸، ص۳۳۸)

در مجموع، بی‌اعتباری قراردادها نه تنها بر روابط داخلی کشورها بلکه بر روابط بین‌المللی نیز تأثیرگذار است و می‌تواند پیچیدگی‌های حقوقی و اجرا.ی زیادی به‌ویـژه در زمینـه‌هـای تجـاری، مالی و اقتصادی ایجاد کند. توجه به مفاد قانونی و رعایت دقیق اصول حقوقی داخلی و بین‌المللی می‌تواند از بروز این مشکلات جلوگیری کنـد و بـه‌ویـژه در قراردادهـای بـین‌المللـی، منجـر بـه استحکام روابط تجاری و حقوقی میان طرف‌ها شود.

۷. راهکارهای کاهش خطا در قراردادهای بین‌المللـی در زمینـه بـی‌اعتبـاری قراردادها

بی‌اعتباری قرارداد می‌تواند تبعات جدی برای روابـط تجـاری بـین‌المللـی ایجـاد کنـد، از جملـه مشکلات اجرایی، هزینه‌های حقوقی بالا و حتی بروز اختلاف بین طرفین قرارداد. بـا ایـن حـال، اتخاذ راهکارهای مناسب می‌تواند به‌طور مؤثری از بروز چنـین مشـکلاتی جلـوگیری کنـد و بـه طرفین کمک کند که در صورت بروز اختلاف، راه‌حل‌های کارآمد و سریع‌تری پیدا کنند.

اولین گام مهم در این مورد، تدوین مفاد حل اختلاف است. وجود مفاد شفاف و دقیـق بـرای حل اختلاف در قرارداد، این امکان را فراهم می‌آورد که در صورت بروز منازعات، طرفین بتواننـد به سرعت به روش‌های حل اختلاف مانند مذاکره، میانجی‌گری یا داوری روی آورند. این روش‌ها نه تنها از هزینه‌های سنگین دادرسی و زمان طولانی محاکم دادگستری جلوگیری می‌کنند بلکـه می‌توانند از تداوم منازعات و کشمکش‌های حقوقی در بلندمدت جلوگیری نماید. به‌ویژه در زمینـه

داوری بین‌المللی، مؤسسات داوری معتبر مانند اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) یـا مؤسسـه داوری لندن (LCIA)، توانسته‌اند با تخصص و اعتبـار خـود، نقـش مـؤثری در حـل اختلافـات پیچیـده بین‌المللی ایفا کنند. این نهادها قادر به بررسی مسائل حقوقی بین‌المللی در زمینـه‌هـای مختلـف هستند و تصمیمات آنها به‌راحتی در کشورهای مختلف قابل اجراست. (نقی پور، ۱۴۰۱، ص۱۸۴)

انتخاب قانون حـاکم بـر قـرارداد و محـل رسـیدگی بـه دعـاوی از مسـائل بسـیار مهـم در قراردادهای بین‌المللی است. این انتخاب‌ها می‌توانند از بروز اختلافات پیچیـده جلـوگیری کنـد و طرفین را از نااطمینانی‌های قانونی و اجرایی برهاند. از آنجا که سیستم‌هـای حقـوقی کشـورهای مختلف ممکن است با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری داشته باشند، انتخاب دقیق و مناسب قانون حاکم و محل رسیدگی، نه‌تنها از بروز مشکلات اجرایی جلوگیری می‌کند، بلکه از نظر عملی نیـز موجب می‌شود در صورت بروز اختلاف، طرفین به راحتی بتوانند از یک سیستم حقوقی مشـخص استفاده کنند. این انتخاب همچنین ممکن است تأثیر زیادی بر هزینه‌های دادرسی و سرعت روند قضائی داشته باشد، به‌ویژه هنگامی که طرفین می‌توانند به جای مراجعه بـه محـاکم عمـومی، از روش‌های سریع‌تر و کارآمدتر مانند داوری بـین‌المللـی اسـتفاده کننـد. (ضـیائی بیگـدلی، ۱۳۸۸، ص۴۶۷)

توجه به ملاحظات فرهنگی نیز یکی از نکات کلیدی در موفقیت قراردادهای بین‌المللی است. تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی در کشورهای مختلف می‌تواند به‌طور مستقیم بـر فرآینـد مذاکرات و اجرای قرارداد تأثیر بگذارد. در کشورهایی مانند ایران و پاکستان که هر دو تحت تأثیر آموزه‌های دینی قرار دارند، توجه به این تفاوت‌ها و احترام به آداب و رسوم مـی‌توانـد از هرگونـه تفسیر نادرست یا سوءاستفاده از شرایط قرارداد جلوگیری کند و تضمین کند که تمامی طرفین بـا احترام متقابل و درک صحیح از شرایط قرارداد در آن مشارکت دارنـد. (انصـاری‌پـور و سـوهانی، ۱۴۰۰، ص۴۵)

در مجموع، رعایت دقت در تنظیم قراردادها، انتخاب ساز و کارهای مؤثر برای حل اختلافـات و توجه به قوانین و ملاحظات فرهنگی می‌تواند به‌طور چشمگیری خطاهای مرتبط با بی‌اعتبـاری قراردادها را کاهش دهد.

۸. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت قراردادها در روابط اجتماعی کشورها، اعتبار یا بی‌اعتباری یک قرارداد می‌تواند آثار گسترده‌ای بر روابط حقوقی افراد داشته باشد، همچنین با احراز بی‌اعتباری قرارداد، اثرات قانونی آن به‌طور کلی از بین می‌رود و طرفین باید به وضعیت پیشین خود بازگردند. به منظور کاهش خطاهای مرتبط با بی‌اعتباری قراردادها، به‌ویژه در دو کشور ایران و پاکستان، راهکارهایی وجود دارد که می‌تواند در زمینه‌های حقوقی و اجرایی، تأثیرگذار باشد و از بروز مشکلات جدی جلوگیری کند. تقویت چارچوب قانونی و حقوقی قراردادها از طریق، تقویت و به‌روزرسانی قوانین مدنی و تجاری با در نظر گرفتن استانداردهای بین‌المللی، تدوین قوانین دقیق برای حل اختلافات و تضمین اجرای آنها، راهکارهای مناسبی است. همچنین استفاده از داوری بین‌المللی در عین توجه به قوانین داخلی کشورها و ملاحظات دینی و فرهنگی، انتخاب دقیق محل حل اختلاف و قانون حاکم، آموزش و تقویت ظرفیت‌های حقوقی، توسعه همکاری‌های داوری و حقوقی بین‌المللی، تهیه قراردادهای استاندارد بین‌المللی، تقویت ارتباطات حقوقی و تجاری میان ایران و پاکستان و برگزاری نشست‌های مشترک و کارگاه‌های آموزشی، می‌تواند به آشنایی هر دو طرف با مسائل حقوقی مختلف و چالش‌های مربوط به قراردادهای بین‌المللی کمک کند.

منابع

۱. انصاری، مرتضی (۱۳۷۴). *کتاب المکاسب*. قم: انتشارات دهقانی.

۲. انصاری‌پور، محمدعلی.، و سوهانی، مجید (۱۴۰۰). مفهوم قراردادهای قابل ابطال در حقوق انگلیس، فرانسه، ایران و فقه. *مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۱۸(۲)، ۴۱- ۶۶.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۱). *دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت*. تهران: انتشارات گنج دانش.

۴. شهیدی، مهدی (۱۳۹۵). *اصول قراردادها و تعهدات*. تهران: انتشارات مجد.

۵. صالحی، حمیدرضا (۱۳۹۲). *آثار و مسئولیت ناشی از بطلان قرارداد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه حکیم سبزواری. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

۶. صفایی، حسین (۱۴۰۱). *قواعد عمومی قراردادها*. تهران: نشرمیزان.

۷. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸). *حقوق بین الملل عمومی*. تهران: گنج دانش.

۸. طباطبائی یزدی، محمد کاظم (۱۳۳۰هـ.ق). *عروه الوثقی*. بغداد: بی‌نا.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). *قواعد عمومی قراردادها*. شرکت سهامی انتشار.
۱۰. کریم‌پور آل‌هاشم، سید محمدتقی (۲۰۲۲). معیارهای تعیین اقسام بطلان قرارداد در حقوق ایران و فرانسه. *تحقیقات حقوقی بین المللی*، ۱۵(۵۷)، ۲۸۵- ۳۰۴.
۱۱. کریمی، عباس.، نعم، مختار.، و اسدزاده، سکینه (۲۰۲۱). بررسی تطبیقی وضعیت حقوقی گروه‌های قراردادی در حقوق ایران و فرانسه. *دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی*، ۸(۲)، ۱۲۱- ۱۴۱.
۱۲. کریمی، عباس.، و سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید (۲۰۲۰). مطالعه تطبیقی سه نهاد بطلان، فساد و عدم وجود قرارداد در فقه امامیه، فقه حنفی و حقوق فرانسه. *دوفصلنامه فقه مقارن*، ۷(۱۴)، ۱۲۷- ۱۴۲.
۱۳. نقی پور، سعید (۱۴۰۱). *بررسی چالش‌های قانونی در رسیدگی به دعاوی بیمه های حمل و نقل بین المللی*. قم: مرکز نشر کتاب.
14. Ahmed, A., & Law, L. M. C. (2020). *Essentials of a Valid Contract: A Comparative Study of Islamic Law and The Contract Act 1872*.
15. Ali, K., & Ehsan, M. (2022). Foreign direct investment and economic growth nexus in the presence of domestic institutions: a regional comparative analysis. *Asia- Pacific Journal of Regional Science*, 6(2), 735- 758.
16. Almajali, M. H., Arabyat, M. B., Alqudah, F. T., & Ghazwi, M. F. (2024). Cases of Nullity of Administrative Contract Compared to Civil Contract, under the Jordanian Legislation. *International Journal of Religion*, 5 (1), 725- 731.
17. Hussain, S., Rustandi Kartawinata, B., Muhammad, Z., & Fitriana, R. (2022). Empirical nexus between Chinese investment under China–Pakistan Economic Corridor and economic growth: An ARDL approach. *Cogent Business & Management*, *9*(1), 2032911.
18. Islam, M. (1998). Dissolution of contract in Islamic law. *Arab Law Quarterly*, 336- 368.
19. Rana, A. A. (2020). Essentials of a valid contract: A comparative study of Sighah in Islamic law and the agreement in the Contract Act 1872. *Available at SSRN 3722822*.
20. Saleh., & Mayer, A. E. (1987). Unlawful gain and legitimate profit in Islamic law. *Middle East Studies Association Bulletin*, 21(2), 302- 304.